اهميت فرهنگ مهدويت

آقايان مهدي پور، آيت اللهي ، بهروز لك، مشيري

در ذيل عنوان ياد شده، تني چند از استادان و فرهيختگان حوزه و دانشگاه و مسئولين فرهنگي، به چهار پرسش ذيل از پرسش‌هاي فصلنامه انتظار در رابطه با مهدويت پاسخ داده اند:

1.تلقي شما از فرهنگ مهدويت چيست؟

2. اهميت فرهنگ مهدويت در چيست ؟

3. جاي چه عرصه هايي را در فرهنگ مهدويت خالي مي بينيد؟

4. براي كاربردي كردن اين فرهنگ در جامعه، چه راهكارهايي

را پيشنهاد مي كنيد؟

دانشوران شركت كننده در اقتراح اين شماره عبارتند از:

علي‌اكبر مهدي‌پور1(محقق و نويسنده و كارشناس مباحث مهدويت)

دكتر محمدتقي آيت‌اللهي2(استاد دانشگاه و محقق ونويسنده)

دكترغلا‌مرضا بهروزلك 3(دكتراي علوم سياسي و استاد حوزه و دانشگاه)

مجتبي مشيري4(مدير سابق شبكه دو سيما و رييس مركز توليد فيلم‌هاي انيميشني)

: تلقي شما از فرهنگ مهدويت چيست؟

علي اكبر مهدي پور: فرهنگ‌ مهدويت، درياي‌ بيكران‌ و اقيانوس‌ بي‌ساحلي‌ است‌ كه‌ هر انسان‌ وابسته‌ به‌ اين‌ فرهنگ، در حدّ دانش، بينش‌ و پژوهش‌ خود از آن‌ تلقّي‌ متفاوتي‌ دارد، و اينك‌ تلقّي‌ اين‌ ناچيز از اين‌ فرهنگ‌ گسترده:

1. ما صاحبي‌ داريم‌ با اين‌ ويژگي‌ها:

- صاحبي‌ كه‌ بر ما احاطهِ‌ علمي‌ دارد و هيچ‌ يك‌ از اعمال‌ ما، از نگاه‌ نافذ و گستردهِ‌ او مستور نيست.

- صاحبي‌ كه‌ اعمال‌ ما آخر هر روز، هر هفته، هر ماه‌ و هر سال‌ به‌ محضر او گزارش‌ مي‌شود.

- صاحبي‌ كه‌ از اعمال‌ نيك‌ ما مسرور مي‌شود و ما را دعا مي‌كند.

- صاحبي‌ كه‌ از كردار زشت‌ ما رنج‌ مي‌برد و از خداوند منان‌ براي‌ ما طلب‌ آمرزش‌ مي‌كند.

- صاحبي‌ كه‌ تنها به‌ وسيلهِ‌ او اعمال‌ ما بالا مي‌رود.

- صاحبي‌ كه‌ تنها با اعتقاد به‌ او اعمال‌ ما مورد پذيرش‌ حق‌ تعالي‌ قرار مي‌گيرد.

- صاحبي‌ كه‌ همهِ‌ ابرقدرت‌ها در برابرش‌ ناگزير از تسليمند.

- صاحبي‌ كه‌ اگر او بخواهد، احدي‌ قدرت‌ ايذا و آزار و سيطره‌ بر ما را ندارد.

- صاحبي‌ كه‌ لحظه‌اي‌ از ياد ما غافل‌ نيست.

- صاحبي‌ كه‌ سرانجام‌ از سراپردهِ‌ غيبت‌ بيرون‌ آمده، كاخ‌ ستمگران‌ را بر سرشان‌ فرو ريخته، بر ويرانهِ‌ كاخ‌هاي‌ ستمگران، جهاني‌ آباد، آزاد، بر اساس‌ حق‌ و بر معيارهاي‌ استوار، بنياد كرده، هر ستمي‌ را نابود و هر حقّي‌ را جايگزين‌ خواهد نمود.

2. فرهنگ‌ مهدويت؛ حركت‌ آفرين، اميد آفرين، تلاش‌ آور و نشاط‌ آور است.

3. فرهنگ‌ مهدويت؛ يأ‌س، نوميدي، خستگي، وازدگي‌ و پوچ‌ گرايي‌ را مي‌زدايد.

4. فرهنگ‌ مهدويت؛ رابطهِ‌ مستحكم‌ و استواري‌ بر اساس‌ <رابطهِ‌ ولايتي> بين‌ انسان‌ و مولايش‌ ايجاد مي‌كند.

5. فرهنگ‌ مهدويت؛ دريچه‌اي‌ به‌ جهان‌ آينده، راه‌ نجات‌ از بن‌ بست‌ها و مولّد نيروي‌ حركت‌ به‌ سوي‌ آينده‌اي‌ روشن‌ است.

6. فرهنگ‌ مهدويت؛ جبران‌ كمبودها، رفع‌ موانع‌ و سكوي‌ پرش‌ به‌ جهاني‌ آباد و آزاد است.

7. فرهنگ‌ مهدويت؛ فرهنگ‌ انديشه، روحيه، جوانه‌ زدن، رويش، پويش، عشق، حركت، طرح‌ و عمل‌ مي‌باشد.

8. فرهنگ‌ مهدويت؛ تلاش، كوشش، شتاب، شناخت، اعتدال‌ و پاي‌ فشردن‌ در عمل‌ است.

9. فرهنگ‌ مهدويت؛ بي‌اعتنايي‌ به‌ قدرت‌هاي‌ اهريمني، قطع‌ رابطه‌ از طاغوت‌ها و ترك‌ اعمال‌ زشت‌ و ناپسند است.

10. فرهنگ‌ مهدويت؛ اصلاح‌ خويشتن، آمادگي‌ براي‌ ايثار و تسليمِ فرمان‌ مولا بودن‌ است.

دكترسيد محمد تقي آيت اللهي: مجموعه‌اي‌ از آيين‌هاي‌ اعتقادي، اخلاقي، رفتاري، مديريتي، معرفتي‌ و فقهي‌ كه‌ پيامبر اكرم(ص) بر پايه‌ وحي‌ الهي‌ براي‌ هدايت‌ انسان‌ به‌ ارمغان‌ آورده‌ و در طي‌ دو قرن‌ و نيم‌ امامت‌ اوصياي‌ بر حق‌ او كه‌ عالمان‌ رباني‌ و منصوص‌ الهي‌اند، تبيين‌ و تفسير و تشريح‌ شده‌ است‌ و به‌ وجود مقدس‌ نوراني‌ حضرت‌ ولي‌ عصر(عج) منتهي‌ مي‌گردد و در دوران‌ تقريباً هفتاد ساله‌ غيبت‌ صغري‌ از طريق‌ سفيران‌ چهارگانه‌ آن‌ حضرت‌ با هدايت‌ و رهبري‌ آن‌ ذخيره‌ عدل‌ الهي‌ جريان‌ مي‌يابد، فرهنگ‌ مهدويت‌ را شكل‌ مي‌بخشد. عناصر، ابعاد و مؤ‌لفه‌هاي‌ اين‌ فرهنگ‌ متعالي‌ را كه‌ نويد بخش‌ نظم‌ عادلانه‌ جهاني‌ است، معصومين‌ چهارده‌گانه‌ مشخص‌ فرموده‌اند. ايشان‌ در زمان‌ها و مكان‌هاي‌ مختلف‌ و با توجه‌ به‌ استعدادهاي‌ گوناگون‌ اشخاص‌ و متناسب‌ با اين‌ عناصر، ابعاد و مؤ‌لفه‌هاي‌ آن‌ را آموزش‌ داده‌ و تعميق‌ بخشيده‌اند و آن‌ را از پديده‌هاي‌ افراطي‌ و تفريطي‌ منزه‌ و مصون‌ ساخته‌ و فرهنگي‌ متعالي‌ و متعادل‌ را پديد آورده‌اند. بناي‌ عظيم‌ اين‌ فرهنگ‌ به‌ ويژه‌ در فرصت‌ پديدار شده‌ در دوران‌ امام‌ باقر(ع) و امام‌ صادق(ع) گسترش‌ يافته‌ و زمينه‌ توسعه‌ آينده‌ آن‌ فراهم‌ گرديده‌ است.

سرفصل‌ مباحث‌ و ابعاد گوناگون‌ و در عين‌ حال‌ هماهنگ‌ و منسجم‌ آن‌ در ادعيه‌ و زيارات‌ مربوط‌ به‌ حضرت‌ ولي‌ عصر(عج) با زيبايي‌ و ژرف‌نگري‌ و جامعيت‌ بي‌نظيري‌ مطرح‌ گرديده‌ و پيوندي‌ جاوداني‌ را با آن‌ وجود مقدس‌ كه‌ نهايت‌ آرزوي‌ همه‌ انبيا و اولياي الهي‌ است‌ مشخص‌ مي‌سازد. اين‌ فرهنگ‌ تركيبي‌ منسجم‌ و بي‌همتا از عشق‌ و شعور و آگاهي‌ را فراهم‌ مي‌آورد و به‌ قول‌ فريدالدين‌ عطار نيشابوري، عارف‌ بزرگ‌ در كتاب‌ مظهرالعجائب‌ في‌ اثبات‌ ولايت‌ علي‌ بن‌ ابيطالب(ع)؛

صدهزاران‌ اوليا رو بر زمين‌ از خدا خواهند مهدي(عج) را يقين

‌يا الهي‌ مهدي(عج) از غيبت‌ در آر تا جهان‌ عدل‌ گردد آشكار

مهدي(عج) و هادي‌ و تاج‌ انبيا بهترين‌ خلق‌ و برج‌ اوليا

اي‌ به‌ هر قرني‌ تو پيدا آمده‌ وي‌ به‌ هر قرني‌ نو پيدا آمده‌

اي‌ ولاي‌ تو معين‌ آمده‌ بر دل‌ و بر جان‌ روشن‌ آمده‌

اي‌ تو ختم‌ اوليا اندر جهان‌ در همه‌ جان‌ها نهان‌ چون‌ جان‌ جان‌

من‌ ولاي‌ تو به‌ جان‌ كردم‌ قبول‌ زان‌كه‌ هستي‌ اين‌ زمان‌ نور رسول‌

آن‌چه‌ من‌ ديدم‌ همه‌ ديد تو بود و آن‌چه‌ من‌ كردم‌ زتقليد تو بود

اي‌ تو هم‌ پيدا و پنهان‌ آمده‌ بنده‌ عطارت‌ ثناخوان‌ آمده‌

عاشقان‌ را عشق‌ تو كردست‌ مست‌ عارفان‌ را جام‌ عرفان‌ ده‌ به‌ دست‌

اي‌ تو هم‌ معشوق‌ و هم‌ عشق‌ الست عشق‌ تو بُردست‌ خود ما را زدست‌

دست‌ ما و دامن‌ تو اي‌ امير اين‌ فقير مبتلا را دست‌ گير

من‌ پناه‌ خود به‌ تو آورده‌ام‌ حبّ تو با شير مادر خورده‌ام‌

هر كه‌ او شرك‌ آورد در دين‌ تو مست‌ گردد عاقبت‌ از كين‌ تو

هر كه‌ را حب‌ تو باشد پيشوا خلق‌ را باشد يقين‌ او رهنما

و در نتيجه‌ فرهنگ‌ مهدويت، روش، منش، كنش، نگرش‌ و بينش‌ حضرت‌ مهدي(عج) را تشكيل‌ مي‌دهد.

غلا‌مرضا بهروز لك: فرهنگ، مجموعه‌اي‌ از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رسوم‌ و سنت‌ها و شعائر و اعمال‌ خاص‌ پذيرفته‌ شده‌ در يك‌ جامعه‌ را در بر مي‌گيرد. فرهنگ‌ مهدويت‌ نيز، به‌ مجموعه‌اي‌ از نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهاي‌ مربوط‌ به‌ ظهور منجي‌ موعود از سلاله‌ پاك‌ پيامبر اسلام(ص) اطلاق‌ مي‌شود. از اين‌ حيث‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ ريشه‌ در تاريخ‌ بشريت‌ دارد. همه‌ اديان‌ الهي‌ از همان‌ آغاز، منادي‌ ظهور منجي‌ موعود بوده‌اند. از آن‌جا كه‌ نگرش‌ اديان‌ به‌ تاريخ‌ تحول‌ خطي‌ و سرانجام‌ نيك‌ براي‌ انسان‌ و جهان‌ و تحقق‌ وعده‌ الهي‌ بوده‌ است، پيامبران‌ آسماني‌ فرا رسيدن‌ عصري‌ طلايي‌ را كه‌ تحقّق‌ بخش‌ وعده‌ الهي‌ باشد، همواره‌ خبر داده‌اند. در اسلام‌ نيز، آموزه‌ مهدويت‌ و به‌ پيروي‌ از آن، فرهنگ‌ شكل‌ گرفته‌ بر اساس‌ آن‌ نيز قدمتي‌ هم‌پاي‌ ظهور اسلام‌ دارد. مؤ‌منان‌ همواره‌ به‌ فرا رسيدن‌ چنين‌ عصري‌ بشارت‌ داده‌ مي‌شدند.

از اين‌ رو محور اساسي‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ را مي‌توان‌ تحقق‌ فرج‌ و ظهور منجي‌ موعود دانست. هرگونه‌ نگرش، هنجار و سنت‌ها و شعائر خاصي‌ كه‌ در يك‌ جامعه‌ حول‌ چنين‌ اعتقادي‌ شكل‌ مي‌گيرد، مي‌تواند در مقوله‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ قرار گيرد. عنصر كانوني‌ چنين‌ فرهنگي‌ همان‌ منجي‌ موعود مي‌باشد.

البته‌ بايد توجه‌ داشت‌ كه‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ را مي‌توان‌ به‌ فرهنگ‌ اصيل‌ و فرهنگ‌ منحرف‌ شده‌ تقسيم‌ كرد. اگر معيار فرهنگ‌ مهدويت‌ شخص‌ منجي‌ است، حقيقت‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ نيز با منجي‌ واقعي‌ محقق‌ مي‌شود. اما همان‌طور كه‌ در تاريخ‌ نيز بسيار اتفاق‌ افتاده‌ است، مدعيان‌ دروغين‌ يا متمهدياني‌ نيز ظهور كرده‌اند و خواسته‌اند از چنين‌ فرصتي‌ سوء استفاده‌ كنند. بر خلاف‌ چنين‌ ادعاهاي‌ دروغيني، فرهنگ‌ اصيل‌ مهدويت‌ به‌ تقدير الهي‌ و همت‌ عالمان‌ و بيدارگران‌ وارسته‌ در طول‌ تاريخ‌ حفظ‌ و از نسلي‌ به‌ نسل‌ ديگر منتقل‌ شده‌ است. در تفكر شيعي‌ نيز چنان‌كه‌ در مطالب‌ آينده‌ توضيح‌ خواهم‌ داد، فرهنگ‌ مهدوي‌ جايگاه‌ ارزشمند و بنياديني‌ يافته‌ و هويت‌ بخش‌ تفكر شيعي‌ شده‌ است.

نمود فرهنگ‌ مهدوي‌ در يك‌ جامعه‌ را مي‌توان‌ اميد فرج‌ در آن‌ جامعه‌ دانست. جامعه‌اي‌ كه‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ را برگزيده‌ است، هرگز دچار يأ‌س‌ و نااميدي‌ نمي‌شود. در بحراني‌ترين‌ شرايط‌ همواره‌ اميدي‌ وجود دارد كه‌ مشكلات‌ و بحران‌ها پشت‌ سر گذاشته‌ شود و عصر طلايي‌ فرا رسد. البته‌ اميد فرج‌ در اديان‌ و مذاهب‌ هرچند اصلي‌ بنيادين‌ است، اما مقوله‌اي‌ تشكيكي‌ بوده‌ و داراي‌ شدت‌ و ضعف‌ مي‌باشد. بدين‌ معنا كه‌ چگونگي‌ نگرش‌ به‌ تحقق‌ فرج‌ در اديان‌ و حتي‌ در مذاهب‌ درون‌ يك‌ دين، بر خلاف‌ اشتراك‌ در ايمان‌ به‌ اصل‌ تحقق‌ فرج، متفاوت‌ مي‌باشد. از اين‌ جهت‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ در تشيع‌ از تمامي‌ ديگر اديان‌ و مذاهب‌ متمايز و برجسته‌ است.

در ديگر فرهنگ‌ها، گاه‌ اميد به‌ تحقق‌ فرج‌ به‌ رغم‌ اصالت‌ آن، در افقي‌ دور و مبهم‌ قرار مي‌گيرد. فرد دچار بحران‌ و مشكل‌ نمي‌داند كه‌ آيا چنين‌ فرجي‌ زمان‌ حيات‌ او را نيز در برخواهد گرفت‌ يا اميدي‌ است‌ كه‌ در آينده‌ پس‌ از وي‌ محقق‌ خواهد شد، اما در فرهنگ‌ شيعي‌ دو عنصر وجود دارد كه‌ انسان‌ گرفتار را همواره‌ اميدوار نگه‌ مي‌دارد كه‌ در زندگاني‌ خود مشمول‌ فرج‌ خواهد بود. عنصر نخست‌ را مي‌توان‌ در آموزه‌ اعتقادي‌ حضور و وجود منجي‌ در افق‌ زماني‌ مشترك‌ با فرد گرفتار دانست. ضرورت‌ حضور امام‌ در هر عصري‌ يكي‌ از آموزه‌هاي‌ اساسي‌ شيعي‌ مي‌باشد. زمان‌ بدون‌ امام‌ متصور نيست. امام‌ است‌ كه‌ ركن‌ اساسي‌ هستي‌ اين‌ جهاني‌ تلقي‌ مي‌شود و بدون‌ وي‌ در مشيت‌ الهي، جهان‌ فلسفه‌ وجودي‌ خود را از دست‌ مي‌دهد. امام، خليفه‌ و حجت‌ خدا بر روي‌ زمين‌ است‌ و هرگز زمين‌ خالي‌ از حجت‌ نمي‌ماند. حال‌ چنين‌ حجتي‌ يا ظاهر است‌ يا غايب. تفاوت‌ در همين‌ جا است كه‌ در تفكر شيعي، چنين‌ حجتي‌ همواره‌ حاضر و موجود است، هر چند به‌ صورت‌ غايب‌ از چشم‌ ناظر. به‌ عبارت‌ ديگر به‌ صورت‌ حاضر ناظر بر حال‌ فرد گرفتار، هر چند خود فرد گرفتار و مشتاق، چنين‌ حضوري‌ را به‌ عيان‌ مشاهده‌ نكند، ولي‌ بدان‌ اعتقادي‌ عميق‌ دارد. يك‌ مؤ‌من‌ شيعي‌ نمي‌تواند بدون‌ احساس‌ وجود و حضور امام‌ زندگي‌ كند، هر چند توفيق‌ ديدار او را نيز نداشته‌ باشد. پس‌ اعتقاد به‌ حضور منجي‌ در افق‌ زماني‌ فرد گرفتار اميد فرج‌ را مضاعف‌ مي‌سازد. بر همين‌ اساس‌ است‌ كه‌ يك‌ مؤ‌من‌ شيعي‌ با نداي‌ <يا اباصالح‌ اغثني> در درون‌ وجود خويش‌ اميد آن‌ را دارد كه‌ در صورت‌ صلاحديد مولاي‌ خويش‌ حاجتش‌ روا شود. چنين‌ ويژگي‌ را نمي‌توان‌ در جاي‌ ديگر يافت‌ و تنها به‌ شيعيان‌ اختصاص‌ دارد.

عنصر دوم‌ نيز آموزه‌ رجعت‌ در فرهنگ‌ مهدويت‌ شيعي‌ است. اين‌ امر مؤ‌من‌ منتظر را اميدوارتر مي‌سازد كه‌ حتي‌ اگر عمر او به‌ سر آيد و مراد خويش‌ را در آغوش‌ نكشد و خود به‌ عيان‌ در طول‌ عمر خويش‌ شاهد جمال‌ ظهور فرج‌ نباشد، با رجعت‌ پس‌ از مرگ‌ خويش‌ مي‌تواند در هنگام‌ ظهور شاهد فرج‌ باشد. اين‌ آموزه‌ نيز به‌ شيعيان‌ اختصاص‌ دارد و اميد آنان‌ را به‌ فرج‌ افزايش‌ مي‌دهد.

فرهنگ‌ مهدوي‌ در يك‌ جامعه‌ در عرصه‌هاي‌ مختلفي‌ نمود مي‌يابد. غير از مسئله‌ اميد فرج‌ نمودهاي‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ را مي‌توان‌ در رفتار فردي‌ و اجتماعي‌ نيز مشاهده‌ كرد. منتظر واقعي‌ كسي‌ است‌ كه‌ به‌ جامعه‌ فاسد زمانه‌ خويش‌ دل‌ نمي‌بندد و اگر انحراف‌ و كژي‌ ببيند اعتراض‌ مي‌كند و با پيروي‌ از سيره‌ مولا و محبوب‌ خويش‌ در صدد اصلاح‌ بر مي‌آيد. وي‌ در صدد گسترش‌ عدل‌ و داد است، تواصي‌ به‌ حق‌ و صبر مي‌كند؛ در محفل‌هاي‌ دوستانه‌ و جمعي‌ نام‌ منجي‌ را بزرگ‌ مي‌دارد و همه‌ را به‌ آن‌ فرا مي‌خواند و در رفتار فردي‌ و اجتماعي‌ سعي‌ مي‌كند با توجه‌ به‌ اعتقاد به حضور و نظارت‌ امام‌ خويش‌ هماره‌ بر سيره‌ حق‌ پاي‌ فشارد و خطا نكند.

مجتبي مشيري: فرهنگ‌ مهدويت‌ پيام‌ آور بيداري‌ و آگاهي‌ امت‌ بزرگ‌ اسلام‌ و زمينه‌ ساز درك‌ عزيزانهِ‌ آدمي‌ از حيات‌ طيبه‌ و از حقيقت‌ وجود است. فرهنگ‌ مهدويت‌ مردمي‌ترين‌ فرهنگ‌ بشري‌ است. در پرتو اين‌ فرهنگ‌ اميد به‌ كاستن‌ از رنج‌ محرومان، آزادي‌ مظلومان‌ و برقراري‌ عدالت‌ اجتماعي‌ همواره‌ طنين‌ انداز قلب‌هاي‌ مشتاق‌ و علاقه‌مند به‌ حضرت‌ مهدي(عج) است.

اهميت فرهنگ مهدويت درچيست؟

علي اكبر مهدي پور:نقاط‌ عطف‌ و حساس‌ در فرهنگ‌ مهدويت‌ بسيار فراوان‌ است، كه‌ از آن‌ جمله‌ است:

1. ترسيم‌ آينده‌اي‌ روشن، به‌ دور از هر گونه‌ ابهام‌ در پهندشت‌ جهان‌ هستي، براساس‌ عدالت‌ و آزادي، بدون‌ هيچ‌ نقطهِ‌ تاريك.

2. كسب‌ هويّت‌ و رهايي‌ از بي‌هويّتي‌ حاكم‌ بر اكثر انسان‌هاي‌ زمان.

3. تسليم‌ حق‌ بودن‌ و بي‌اعتنايي‌ به‌ زر و زور و تزوير، با اعتقاد به‌ مولايي‌ مقتدر، آگاه‌ و مهربان.

4. ترك‌ گناه‌ به‌ خاطر مولاي‌ مهرباني‌ كه‌ از اعمال‌ زشت‌ ما رنج‌ مي‌برد.

5. تلاش‌ در عبادات‌ و اطاعات، به‌ خاطر يوسف‌ زهرا، كه‌ از مشاهدهِ‌ اعمال‌ نيك‌ ما بر لبان‌ مباركش‌ تبسمي‌ نقش‌ مي‌بندد.

6. دسترسي‌ به‌ الگوي‌ انسان‌ كامل، پيشواي‌ معصوم‌ و مبرّا از هرگونه‌ خطا و لغزش.

7. شناخت‌ راه، تحصيل‌ انگيزه، تعيين‌ جهت‌ و توفيق‌ عمل.

8. تبديل‌ حسنات‌ به‌ صالحات‌ و ايجاد حُسن‌ فعلي‌ و فاعلي‌ در مقام‌ عمل.

9. رهايي‌ از تنهايي‌ و پيوستن‌ به‌ خيل‌ منتظران، انتظاري‌ سازنده، كارواني‌ تلاشگر، در راهي‌ روشن، با گام‌هايي‌ استوار، به‌ سوي‌ هدف‌ مشخص، با ضوابط‌ تعيين‌ شده.

10. پاسخ‌ مثبت‌ به‌ فراخوان‌ انبيا، اوليا، امامان‌ معصوم، كتب‌ آسماني، به‌ ويژه‌ قرآن‌ كريم، در آياتي‌ چون:

فانتظروا، اِنّي‌ معكم‌ من‌ المنتظرين1

منتظر باشيد، كه‌ من‌ - پيامبر - نيز به‌ همراه‌ شما از منتظرانم.

دكترسيد محمد تقي آيت اللهي: فرهنگ‌ مهدويت‌ نقش‌ پيش‌گيري‌ بنيادي‌ از تهاجم‌ و شبيخون‌ فرهنگي‌ را ايفا مي‌كند و فعالانه‌ در آماده‌ سازي‌ جامعه‌ انساني‌ براي‌ تحقق‌ <جامعه‌ مهدوي> تأ‌ثيرگذار است، به‌ ارزشيابي‌ دوباره‌ زندگي‌ تاريخي، اجتماعي، سياسي‌ و فرهنگي‌ عصر حاضر مي‌پردازد، تعهد به‌ اهداف‌ امام‌ عصر(عج) و عشق‌ آگاهانه‌ به‌ او را معني‌ مي‌دهد و ولايت‌ او را تنها معيار قضاوت‌ ايمان‌ حقيقي‌ مي‌داند. قلوب‌ همه‌ دردمنداني‌ كه‌ ظالمانه‌ در نظام‌هاي‌ حاكم‌ محروم‌ شده‌اند را تسخير كرده‌ و نقطه‌ الهام‌ آن‌ها مي‌گردد. اين‌ فرهنگ‌ زيربناي‌ ايجاد نظم‌ عادلانه‌ جهاني‌ را در پرتو رهبري‌ موفق‌ انسان‌ كامل‌ معصومي‌ كه‌ از نسل‌ پاك‌ سرور شهيدان‌ امام‌ حسين(ع) بوده، فراهم‌ مي‌كند و جامعه‌اي‌ صالح، پر نشاط، برخوردار از سلامت‌ معنوي، هوشيار و آماده‌ براي‌ ظهور منجي‌ موعود جهاني‌ انتهاي‌ تاريخ‌ مي‌سازد. جامعه‌اي‌ كه‌ عناصر آن‌ سائسٌ بالليل‌ و سياحٌ بالنهاراند و روز و شب‌ را به‌ برنامه‌ريزي‌ فعال‌ براي‌ جامعه‌ بهتر و تلاش‌ در زندگي‌ موفق‌تر طي‌ مي‌كنند، نقطه‌ توجه‌ آن‌ها ساحت‌ مقدس‌ امام‌ عصر - ارواحنالتراب‌ مقدمه‌ الفدا - است‌ و در واقع‌ هميشه‌ خود را در محضر او نگريسته‌ و او را ناظر بر اعمال‌ خود و حاضر در جامعه‌ مي‌دانند. آنان‌ به‌ كسب‌ رضاي‌ او، كه‌ كسب‌ رضاي‌ خداي‌ عالم‌ است‌ در تلاشند و نغمه‌ لسان‌ الغيب‌ حافظ‌ شيرازي‌ را به‌ گوش‌ جان‌ نيوشيده‌اند كه:

هرگز حديث‌ حاضر غايب‌ شنيده‌اي‌ ‌من‌ در ميان‌ جمع‌ و دلم‌ جاي‌ ديگرست‌

فرهنگ‌ مهدويت‌ جامعه‌ را در برابر تمام‌ بيماري‌هاي‌ معنوي‌ بيمه‌ مي‌كند، كينه‌ نظام‌هاي‌ ستم‌گر را در سينه‌ها مي‌نشاند، راه‌ مقاومت‌ و ايستادگي‌ در برابر آنان‌ را در دل‌ تقويت‌ مي‌كند، با هر نظم‌ ناعادلانه‌اي‌ در ستيز است‌ و با نُدبه‌ عاشقانه‌ و آگاهانه‌ خود در پي‌ زمينه‌ سازي‌ ظهور آن‌ يار غايب‌ از نظر است. عصاره‌ اين‌ فرهنگ‌ مهدي‌ دوستان‌ را ياري‌ مي‌كند تا شرايط‌ بسيار دشوار را تحمل‌ كنند و اميد نجات‌بخشي‌ را در زمان‌ رجعت‌ مهدي(عج) انتظار كشند. به‌ راستي‌ كه‌ معرفت‌ اين‌ امام‌ رستگاري‌ انسان‌ را تأ‌مين‌ مي‌كند.

غلا‌مرضا بهروزلك: اهميت‌ فرهنگ‌ مهدويّت‌ را مي‌توان‌ در هويت‌ بخشي‌ به‌ يك‌ فرد و جامعه‌ دانست. جامعه‌اي‌ كه‌ به‌ آينده‌ اعتقاد دارد و بر آن‌ باور است‌ كه‌ عصري‌ دگر فرا خواهد رسيد كه‌ متفاوت‌ از وضع‌ موجود است، از نقص‌ها بر كنار است‌ و به‌ اصطلاح‌ مدينه‌ فاضله‌ معيار دارد، مي‌تواند زندگي‌ امروز خود را نيز بر اساس‌ مدل‌ كامل‌ سازمان‌ دهد. به‌ بيان‌ ديگر او الگويي‌ از وضع‌ مطلوب‌ دارد و هماره‌ موقعيت‌ و منزلت‌ خود را با آن‌ مي‌سنجد.

فراتر از اين‌ تصوير وضع‌ مطلوب‌ كه‌ در تمامي‌ اديان‌ آسماني‌ وجود دارد، در فرهنگ‌ شيعي‌ مهدويت‌ بار خاصي‌ دارد. مهدويت‌ در زمانه‌ ما كه‌ عصر امام‌ زمان‌ و عصر منجي‌ غايب‌ است، كار ويژه‌ اساسي‌ در تعريف‌ هويت‌ ما دارد. هويت‌ معناي‌ زندگي‌ است. هويت‌ كيستي‌ شخص‌ است‌ كه‌ لحظه‌ به‌ لحظه‌ با او هم‌نشين‌ و از او جداناپذير است. از اين‌ جهت، هويت‌ يك‌ شيعي‌ با امام‌ زمان‌ خويش‌ تعريف‌ مي‌شود. بيان‌ معجزه‌ آساي‌ كلام‌ نبوي‌ اين‌جاست‌ كه‌ معنايي‌ كامل‌ مي‌يابد: <من‌ مات‌ و لم‌ يعرف‌ امام‌ زمانه‌ مات‌ ميته` جاهليه`>. در مكتب‌ شيعي‌ امام‌ هويت‌ بخش‌ است‌ و آن‌ را از جامعه‌ جاهلي‌ و عصر جاهلي‌ جدا مي‌سازد. پس‌ در زمانه‌ ما نيز كه‌ امام‌ ما همان‌ مهدي‌ موعود است، او نه‌ جدا از وجود ما، بلكه‌ بخشي‌ از وجود ما شيعيان‌ است. هر گونه‌ غفلت‌ ما از مهدي‌ منتظر(عج) مساوي‌ غفلت‌ از خويشتن‌ خودمان‌ خواهد بود. بي‌ وجود او ما گم‌شده‌اي‌ بيش‌ نخواهيم‌ بود. از گفته‌هاي‌ پيشين‌ اين‌ نتيجه‌ را مي‌خواهيم‌ بگيريم‌ كه‌ اهميت‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ در يك‌ جامعه‌ شيعي‌ نقش‌ هويت‌ بخش‌ و كانوني‌ آن‌ در زندگي‌ ما مي‌باشد. ما بدون‌ مهدي‌ هيچيم‌ و گم‌شده‌اي‌ بيش‌ نيستيم. بي‌ وجود مهدي، ما مصداق‌ )نسوا اللّه‌ فانسيهم‌ انفسهم( خواهيم‌ بود. طبق‌ روايات‌ شيعي‌ معرفت‌ ما نسبت‌ به‌ خدا نيز بدون‌ معرفت‌ به‌ حجت‌ او تحقق‌ نخواهد يافت.

اهميت‌ هويت‌ بخشي، يك‌ اهميت‌ ذاتي‌ است‌ و مقوم‌ و سازنده‌ وجود ماست. اهميت‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ را مي‌توان‌ از جهات‌ ديگري‌ كه‌ عمدتاً صبغه‌ كاركردي‌ دارند، نيز مطرح‌ كرد. البته‌ بايد توجه‌ داشت‌ كه‌ چنين‌ كاركردهايي‌ اهميتي‌ ثانوي‌ مي‌يابند ولي‌ شايد بتوان‌ گفت‌ كاركردها جدا از عنصر هويت‌ بخشي‌ نيستند، هر چند ما گاه‌ دچار غفلت‌ مي‌شويم‌ و از اصل‌ اهميت‌ ذاتي‌ چشم‌ مي‌پوشيم‌ و مشغول‌ لوازم‌ و فروع‌ مي‌شويم.

مهم‌ترين‌ اهميت‌هاي‌ كاركردي‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ را مي‌توانيم‌ در موارد زير خلاصه‌ كنيم. اولين‌ مورد، ايجاد نشاط‌ و اميد در يك‌ جامعه‌ است؛ جامعه‌ داراي‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ هرگز پژمرده‌ و دچار روزمرگي‌ و يأ‌س‌ نمي‌شود؛ زيرا اين‌ جامعه‌ اميد دارد، آينده‌ نگر است، گذشته‌ و حال‌ نمي‌تواند او را در چنگال‌ خود اسير كند. مورد ديگر داشتن‌ الگوي‌ عمل‌ است؛ انسان‌ مهدي‌ باور هر گاه‌ به‌ برخي‌ امور شك‌ نمايد يا با ابهامي‌ مواجه‌ شود، علاوه‌ بر معياري‌ در پشت‌ سر كه‌ رفتار معصومان‌ گذشته‌ است، معياري‌ نيز در آينده‌ دارد. به‌ عنوان‌ مثال‌ اگر با تهاجم‌ برخي‌ افكار و انديشه‌ها در برقراري‌ و تأ‌سيس‌ جامعه‌ اسلامي‌ و نظام‌ اسلامي‌ به‌ شك‌ افتد، مهدويت‌ و مدينه‌ فاضله‌ مهدوي‌ مي‌تواند معيار او باشد.

در دوران‌ كنوني‌ كه‌ حكومت‌ اسلامي‌ بر پايهِ‌ قوانين‌ ديني‌ محقق‌ شده‌ است، اين‌ امر مي‌تواند الگوي‌ دوران‌ ما نيز قرار گيرد و ما را به‌ همراه‌ ادله‌ ديگر به‌ ضرورت‌ تأ‌سيس‌ جامعه‌ و نظام‌ اسلامي‌ رهنمون‌ سازد. كاركرد ديگر فرهنگ‌ مهدوي‌ را بايد عدالت‌گرايي‌ در جامعه‌ دانست. جامعه‌اي‌ كه‌ به‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ اعتقاد دارد خود مي‌بايست‌ عدالت‌ را در جامعه‌ خود برقرار كند.

مجتبي مشيري: اهميت اين فرهنگ‌ در زمينه‌هاي‌ زير بروز بيش‌تر دارد:

‌الف) تقويت‌ انگيزهِ‌ توحيدي‌ و مكتبي؛

‌ب) تقويت‌ روحيهِ‌ مبارزه‌جويي‌ بي‌امان‌ با ظلم‌ و استكبار؛

‌پ) خودباوري‌ و خداباوري‌ و قطع‌ وابستگي‌ به‌ دشمنان؛

‌ت) توسعه‌ عدالت‌ اجتماعي‌ و حمايت‌ از محرومان؛

‌ث) مراقبت‌هاي‌ اخلاقي‌ و در نتيجه‌ تطهير نفوس‌ و تنوير عقول؛

‌ج) گسترش‌ الفت‌ و تعاون‌ و اتحاد بين‌ انسان‌ها؛

‌چ) هدف‌مند شدن‌ زندگي‌ اجتماعي‌ و فردي؛

‌ح) تقويت‌ روحيهِ‌ مثبت‌ انديشي‌ و اميد به‌ آينده‌اي‌ روشن‌ و طلوع‌ دوبارهِ‌ فجر اسلام.

جاي چه عرصه هايي را در زمينه مهدويت خالي مي‌بينيد؟

علي اكبر مهدي پور: عليرغم‌ تلاش‌ فراوان‌ از سوي‌ عالمان‌ درد آشنا، عرصه‌هاي‌ فراواني‌ در زمينهِ‌ مهدويت‌ وجود دارد كه‌ تحقيق‌ لازم‌ انجام‌ نگرفته‌ و پاسخ‌ به‌ روز و كامل‌ در دست‌ رس‌ علاقه‌مندان‌ قرار نگرفته‌ است، كه‌ از آن‌ جمله‌ است:

1. نوّاب‌ اربعه؛‌

2. توقيعات‌؛

3. داشتن‌ همسر و فرزندان‌ حضرت‌؛

4. اثبات‌ علمي‌ امكان‌ ديرزيستي‌ انسان‌ تا هزاران‌ سال؛

5. فرق‌ ظهور در 23 رمضان‌ و قيام‌ جهاني‌ در روز عاشورا؛

6. تبيين‌ نشانه‌هاي‌ حتمي؛‌

7. تحقيق‌ در مورد آن‌چه‌ از نشانه‌هاي‌ غير حتمي‌ واقع‌ شده‌ است؛

8. آيا حضرت‌ بقيه`‌اللّه‌ وقت‌ ظهور را مي‌داند؟

9. آيا حضرت‌ به‌ شهادت‌ مي‌رسد؟

10. مدت‌ فرمانروايي‌ حضرت‌؛

11. چگونگي‌ سيطره‌ بر جهان، بدون‌ استفاده‌ از ابزار كشتار جمعي؛

12. تبيين‌ خراساني، حسني، حسيني‌ و هاشمي؛

13. تبيين‌ جايگاه‌ خراساني؛

14. درباره رجعت؛

15. اثبات‌ تحريف‌ حديث: <اسمه‌ اسمي‌ و اسم‌ ابيه‌ اسم‌ ابي>؛

16. اثبات‌ تحريف‌ حديث: <لامهدي‌ الا عيسي>؛

17. اثبات‌ تحريف‌ حديث: <فيقتل‌ الرجال‌ و يبقر بطون‌ الحبالي>؛

18. اثبات‌ علمي‌ احاديث‌ مجعول‌ دربارهِ‌ خونريزي‌ و تشويه‌ سيماي‌ ملكوتي‌ آن‌ حضرت؛

19. اثبات‌ علمي‌ احاديث‌ مربوط‌ به‌ اين‌كه‌ سيرهِ‌ آن‌ حضرت‌ همان‌ سيرهِ‌ را‌فت‌ و عطوفت‌ رسول‌ اكرم(ص) و همان‌ سيرهِ‌ عفو و گذشت‌ مولاي‌ متقيان‌ است؛

20. اثبات‌ علمي‌ مجعول‌ بودن‌ احاديثي‌ كه‌ از سوي‌ صوفيه‌ عليه‌ فقهاي‌ شيعه‌ جعل‌ شده، از قبيل: <لولا السيف‌ بيده‌ لا‌فتي‌ الفقهاء بقتله>؛

21. اثبات‌ مجعول‌ بودن‌ شهادت‌ آن‌ حضرت‌ به‌ وسيلهِ‌ زن‌ ريش‌ داري‌ به‌ نام‌ سعيده، به‌ وسيلهِ‌ پرتاب‌ سنگ‌ آسيا؛

22. ردّ مهدويت‌ نوعي‌ و اثبات‌ مهدويت‌ شخصي؛

23. گردآوري‌ متون‌ گفتار بزرگان‌ اهل‌ سنت‌ و اعتراف‌ آن‌ها كه‌ مهدي‌ موعود فرزند بلافصل‌ حضرت‌ امام‌ حسن‌ عسكري(ع) مي‌باشد؛

24. جمع‌ آوري‌ منابع‌ حديث: <من‌ مات‌ و لم‌ يعرف‌ امام‌ زمانه‌ مات‌ ميته` جاهليه`> از كتب‌ حديثي‌ اهل‌ سنت؛

25. گردآوري‌ منابع‌ حديث: <من‌ انكر المهدي‌ فقد كذّب‌ بما جاء به‌ النّبي> از منابع‌ حديثي‌ عامه؛

26. معرفي‌ آثاري‌ كه‌ از بزرگان‌ اهل‌ سنت‌ دربارهِ‌ آن‌ حضرت‌ چاپ‌ و منتشر شده؛

27. گردآوري‌ احاديث‌ مربوط‌ به‌ حضرت‌ بقيه`‌اللّه‌ ارواحنافداه، در كتب‌ تأ‌ليف‌ شده‌ پيش‌ از ولادت‌ آن‌ حضرت، همانند: المصنفِ ابن‌ ابي‌ شيبه، عبدالرزّاق‌ صنعاني‌ و مسند احمد حنبل؛

28. گردآوري‌ منابع: <الخلفاء اثنا عشر، كلهم‌ من‌ قريش> و ردّ علمي‌ توجيهات‌ غير موجّه‌ در تطبيق‌ آن‌ به‌ خلفاي‌ بني‌ اميه‌ و بني‌ عباس؛

29. نشر كتاب‌نامه‌هاي‌ توصيفي، با تبيين‌ و مرزبندي‌ آثار مطبوع‌ با مخاطب‌هاي‌ مختلف؛

30. تأ‌سيس‌ مراكز نشر، با التزام‌ به‌ نشر آثار مفيد دربارهِ‌ حضرت‌ بقيه`‌اللّه(عج).

دكترمحمدتقي آيت‌اللهي: در جامعه‌ فعلي‌ در زمينه‌ مهدويت‌ در سه‌ زمينه‌ عمده‌ زير عرصه‌ را خالي‌ مي‌بينيم؛

الف) دايره`‌المعارف‌ جامع‌ مهدويت‌

تدوين‌ دايره`‌المعارف‌ جامع‌ مهدويت‌ كه‌ تمام‌ داده‌هاي‌ صحيح، قابل‌ اعتماد و معتبر مهدويت‌ را به‌ صورتي‌ منقح، جامع، ژرف‌ و روش‌مند فراهم‌ آورد و با زيبايي‌ و هنرمندي‌ و متناسب‌ و منطبق‌ با موازين‌ تعيين‌ شده‌ توسط‌ شخص‌ اول‌ عالم‌ وجود حضرت‌ خاتم‌ النبيين(ص) باشد، ضرورت‌ جدّي‌ زمان‌ ماست. دانش‌ امروز، وجود معياري‌ طلايي‌ را براي‌ سنجش‌ اعتمادپذيري‌ اندازه‌ها و مقياس‌ها لازم‌ مي‌داند (معيار طلايي‌ ميزاني‌ خطاناپذير است) نياز به‌ وجود چنين‌ ميزان‌ خطا ناپذيري‌ در سنجش‌ها را پيش‌ از آن‌كه‌ علم‌ امروز مطرح‌ سازد، وجود مقدس‌ رسول‌ اكرم(ص) مطرح‌ فرموده‌ بود و آن‌ را به‌ صورت‌ دو گوهر گران‌بهاي‌ تفكيك‌ ناشدني‌ در امت‌ خود به‌ وديعه‌ نهاد و از آن‌ به‌ ثقلين‌ (كتاب‌ اللّه‌ و عترتي) تعبير فرمود كه‌ با كمال‌ تأ‌سف‌ از همان‌ آغاز مورد غفلت‌ قرار گرفت. اين‌ دو معيار طلايي‌ خطاناپذير ملاك‌ سنجش‌ داده‌هاي‌ مربوط‌ به‌ مهدويت(عج) است‌ كه‌ خود، خاتم‌ عترت‌ و كتاب‌ اللّه‌ الناطق‌ است. چنين‌ دايره`‌المعارفي‌ تلاش‌هاي‌ مخلصانه‌ و خردمندانه‌ همه‌ فرهيختگاني‌ كه‌ حتي‌ قبل‌ از ولادت‌ مسعود آخرين‌ ذخيره‌ عدل‌ الهي‌ شروع‌ شد و تا امروز هم‌ به‌ بركت‌ خير فزاينده‌ فرزند كوثر مهدي‌ موعود(عج) ادامه‌ دارد و هر روز جلوه‌اي‌ از نور مبارك‌ سيماي‌ او را باز مي‌تاباند را ارج‌ مي‌نهد و در عين‌ حال‌ به‌ صورت‌ روش‌مند همه‌ را خلاصه‌ سازي، طبقه‌بندي‌ و متناسب‌ با نيازهاي‌ زمان‌ و مكان‌ تفسير و تشريح‌ مي‌نمايد. انجام‌ اين‌ مهم‌ به‌ توكل‌ به‌ ذات‌ باري‌ و توسل‌ به‌ ساحت‌ مقدس‌ حضرت‌ ولي‌ عصر(عج) مديريتي‌ قوي‌ نياز دارد و همت‌ دانشمندان‌ فرهيخته‌ عاشق‌ منجي‌ اسلام‌ را مي‌طلبد و با سرمايه‌ بزرگ‌ علمي‌ كه‌ در جهان‌ تشيع‌ مشهود است‌ اين‌ مهم‌ در محدوده‌ زماني‌ سه‌ تا پنج‌ ساله، شدني‌ است. اين‌ كار قطعاً بايد به‌ صورت‌ اقدام‌ بزرگ‌ گروهي‌ پژوهشي‌ باشد.

تدوين‌ اين‌ دايره`‌المعارف‌ با توجه‌ به‌ شوقي‌ كه‌ به‌ ويژه‌ در ربع‌ قرن‌ اخير در جهان‌ در موضوع‌ فرهنگ‌ و معارف‌ مهدوي‌ به‌ وجود آمده، خود حركت‌ علمي‌ - پژوهشي‌ بديعي‌ است‌ كه‌ عطش‌ نسل‌ نو و جوان‌ را فرو مي‌نشاند، آن‌ها را از اقيانوس‌ معرفت‌ مهدوي‌ سيراب‌ مي‌سازد، در عمومي‌ سازي‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ بر اساس‌ داده‌هاي‌ معتبر و اعتمادپذير نقش‌ اساسي‌ را ايفا مي‌نمايد و از طرح‌ مباحث‌ دروغين‌ و سست‌ كه‌ بزرگ‌ترين‌ آسيب‌ را بر پيكره‌ بنياد اعتقادي‌ فرهنگي‌ جوانان‌ مي‌زند، پيش‌گيري‌ مي‌كند.

ب) تخصصي‌سازي‌ آموزه‌هاي‌ مهدويت‌

با وجود اين‌ كه‌ در حوزه‌ سلامت‌ جسماني، امور به‌ صورت‌ تخصصي‌ و فوق‌ تخصصي‌ در آمده؛ مثلاً در نظام‌ پزشكي‌ و درماني‌ و سلامت، تخصص‌هاي‌ مختلف‌ وجود دارد، در حوزه‌ تخصص‌ سلامت‌ معنوي، اين‌ امر مهم‌ مورد غفلت‌ قرار گرفته‌ است‌ و براي‌ عموم‌ اين‌ تصور حاصل‌ شده‌ كه‌ هر يك‌ از مبلغان‌ دين‌ و علماي‌ ابرار در هر زمينه‌اي‌ به‌ صورت‌ تخصصي‌ و عميق‌ بايد در مباحث‌ ديني‌ وارد باشند. حوزه‌ وسيع‌ و دامنه‌دار مباحث‌ ديني‌ به‌ ويژه‌ با توجه‌ به‌ شبهات‌ وسيع‌ و گسترده‌ بي‌رحمانه‌ و غيرمنصفانه‌ معاندان‌ كه‌ فضاي‌ فكري‌ را مورد هجوم‌ عوامل‌ بيماري‌ زاي‌ معنوي‌ قرار مي‌دهند، به‌ تخصصي‌گرايي‌ نياز دارد. در اين‌ مورد جدي‌ترين‌ و مقدس‌ترين‌ مبحث‌ به‌ آينده‌ انسان‌ مربوط‌ مي‌شود كه‌ جدي‌ترين‌ تهديد براي‌ نظام‌هاي‌ ظالمانه‌ و مستكبرانهِ حاكم‌ بر جهان‌ محسوب‌ مي‌گردد. بنابراين، تخصصي‌ سازي‌ موضوع‌ مهدويت(عج) امري‌ جدي‌ و اساسي‌ به‌ شمار مي‌آيد و ضرورت‌ تربيت‌ فضلاي‌ شايق‌ و وارسته‌اي‌ كه‌ به‌ كليات‌ معارف‌ اسلامي‌ آشنا باشند، به‌ روش‌شناسي‌ مطالعات‌ و مسايل‌ در غرب‌ آگاه‌ شوند، به‌ صورت‌ تخصصي‌ داده‌ها و تفاسير معارف‌ مهدوي(عج) را بياموزند و در آن‌ نه‌ تنها تخصص‌ بلكه‌ تبحر داشته‌ باشند، موضوعي‌ جدي‌ است. به‌ علاوه، اين‌ متخصصان‌ نيز روان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه‌ و مردم‌شناسانه‌ در سطوح‌ مختلف‌ كودكان، نوجوانان‌ و جوانان‌ بايد مهارت‌ يابند تا هر گروه‌ متناسب‌ با سطح‌ مخاطبان‌ خود به‌ انتقال‌ فرهنگ‌ و معارف‌ مهدويت‌ همت‌ گمارد و به‌ نهادينه‌ سازي‌ آن‌ در بينش‌ و نگرش‌ و كنش‌ مخاطبان‌ خود تلاش‌ كند.

ج) ايجاد نظام‌ ارزشيابي‌ مدرسان‌ و مبلغان‌ مكتب‌ مهدويت(عج)

ايجاد و احياي‌ نظامي‌ كه‌ به‌ ارزشيابي‌ دوره‌اي‌ مدرسان‌ و مبلغان‌ و مداحان‌ مكتب‌ مهدويت(عج) كه‌ به‌ وارسي‌ مجدد نظام‌ اعتقادي‌ آن‌ها بر پايه‌ معيارهاي‌ طلايي‌ كتاب‌ اللّه‌ و عترت‌ بپردازد و در نتيجه‌ هميشه‌ داده‌هاي‌ اعتمادپذير و صحيح‌ و تفاسير راستين‌ از مكتب‌ مقدس‌ الهي‌ مهدويت(عج) در اختيار عموم‌ قرار گيرد و از مباحث‌ شبهه‌زا و سست‌ و دفاع‌هاي‌ غلط‌ بر پايه‌ گمان‌ و ظن‌ پيشگيري‌ نمايد، امري‌ ضروري‌ است. ريشه‌ و بنياد چنين‌ نظام‌ ارزشمندي‌ كه‌ نظارت‌ فعال‌ بر سلامت‌ فكري‌ و معنوي‌ مردم‌ داشته‌ باشد، در سيرهِ‌ مقدس‌ معصومين(ع) ديده‌ شده‌ است؛ از جمله‌ آن‌ مي‌توان‌ به‌ ماجراي‌ عرضه‌ اعتقادات‌ حضرت‌ عبدالعظيم(ع) به‌ محضر مقدس‌ امام‌ عصر خود حضرت‌ امام‌ هادي(ع) اشاره‌ كرد.

اين‌ ماجرا حاكي‌ از آن‌ است‌ كه‌ چنين‌ نظامي‌ در دوران‌ ائمه‌ هدي(ع) وجود داشته‌ و نهادينه‌ شده‌ بود. حضرت‌ عبدالعظيم‌ حسني(ع) از امامزادگان‌ والا مقامي‌ است‌ كه‌ در دوران‌ زندگي‌ خود توفيق‌ درك‌ محضر مقدس‌ پنج‌ معصوم(ع) را يافته‌ و همين‌ امر امتياز ويژه‌اي‌ را براي‌ او به‌ وجود آورده‌ است. او كه‌ در سال‌ 173 هجري‌ قمري‌ در مدينه‌ به‌ دنيا آمد، دوران‌ كودكي‌ را در زمان‌ امامت‌ امام‌ موسي‌ كاظم(ع)، دوران‌ نوجواني‌ و آغاز جواني‌ را در سايه‌ امامت‌ حضرت‌ ثامن‌ الحجج‌ امام‌ علي‌ بن‌ موسي‌ الرضا(ع) گذرانده، دوران‌ جواني‌ خود را در خدمت‌ حضرت‌ امام‌ جواد(ع) بوده‌ و دوران‌ ميانسالي‌ و پيري‌ خويش‌ را در محضر حضرت‌ امام‌ هادي(ع) سر كرده‌ و از اصحاب‌ اين‌ دو بزرگوار به‌ شمار مي‌آيد و احاديث‌ فراواني‌ از آنان‌ روايت‌ نموده‌ است. او هم‌ چنين‌ دوران‌ كودكي‌ و نوجواني‌ و آغاز جواني‌ امام‌ عسكري(ع) را هم‌ درك‌ كرده، گرچه‌ در اواخر دوران‌ امامت‌ امام‌ دهم(ع) به‌ سال‌ 252 هجري‌ قمري‌ رحلت‌ كرده‌ است‌ و در زمان‌ آن‌ امام‌ مفتخر به‌ نص‌ <انت‌ ولينا حقاً؛ تو در واقع‌ از دوستان‌ و ياران‌ مايي> شده‌ و پس‌ از رحلتش‌ نيز به‌ افتخار اين‌ كلام‌ امام‌ معصوم‌ دهم‌ نايل‌ گرديده‌ كه‌ <من‌ زار عبدالعظيم‌ الحسني‌ بري‌ كمن‌ زار سيدالشهداء بكربلا> و از جانب‌ امام‌ دهم‌ مرجع‌ ديني‌ مردم‌ در ايران‌ بوده‌ است.

اين شخصيت بزرگوار با آن‌كه‌ از شرافت‌ خانوادگي‌ و اصالت‌ ريشه‌داري‌ برخوردار بوده‌ و به‌ چهار واسطه‌ به‌ سبط‌ اكبر و سيد شباب‌ اهل‌ جنت‌ حضرت‌ امام‌ مجتبي(ع) نسب‌ مي‌برد و خود صاحب‌ تأ‌ليفاتي‌ متعدد و عالمي‌ رباني‌ بوده، هرگز خويشتن‌ را از بازنگري‌ و ارزشيابي‌ دوباره‌ در محضر ولي‌ معصوم‌ خدا(ع) بي‌نياز ندانسته‌ و ايمان‌ خود را بر امام‌ هادي(ع) عرضه‌ داشته‌ و مورد تأ‌ييد قرار گرفته‌ است. احياي‌ اين‌ سيره‌ مقدس‌ در نظام‌ فعلي‌ و عرضه‌ ايمان‌ و عقايد به‌ محضر فقهاي‌ جامع‌ الشرايط‌ كه‌ صاحب‌ ملكه‌ معيارها و ضوابط‌ در حوزه‌ معرفت‌ ديني‌اند، در يك‌ نظام‌ روش‌مند ارزشيابي‌ و اصلاح‌ به‌ موقع‌ آن‌ها در ايمن‌ سازي‌ و سالم‌سازي‌ فضاي‌ جامعه‌ اسلامي‌ و پيش‌گيري‌ از آسيب‌هاي‌ معنوي‌ از ضروريات‌ زمان‌ ماست. گرچه، در گذشته‌ رسم‌ بوده‌ و امروز هم‌ كم‌ و بيش‌ شايع‌ است‌ كه‌ اجازات‌ روايتي‌ صادر مي‌شود و آن‌ هم‌ به‌ نحوي‌ در راستاي‌ همين‌ سيره‌ مقدس‌ بوده‌ است. اما ضرورت‌ فعال‌ سازي‌ و بازنگري‌ و نظارت‌ دقيق‌ بر آن، به‌ صورت‌ جدي‌ وجود دارد تا ساختار اعتقادي‌ و فرهنگي‌ مردم‌ به‌ صورت‌ استوار و آگاهانه‌اي‌ در مدار قرآن‌ و عترت‌ قرار گيرد، در پيشامدهاي‌ زمان‌ از تزلزل‌ و تشكيك‌ و عدم‌ تعادل‌ مصون‌ بماند، و افكار خودرو و بي‌انضباط‌ چون‌ علف‌ هرز به‌ درخت‌ تناور عقايد راستين‌ آفت‌ نرساند. البته‌ اين‌ امر هرگز به‌ معني‌ انحصارگرايي‌ نبوده، بلكه‌ ابتكارات‌ را جهت‌دار و سازمان‌ يافته‌ مي‌كند.

اين‌ مهم‌ كه‌ همّت‌ بلند مديران‌ عالي‌ هدايت‌گر نظام‌ فرهنگي، حوزوي‌ و تبليغات‌ ديني‌ كشور را مي‌طلبد، سره‌ را از ناسره‌ جدا مي‌سازد، عرصه‌ را به‌ صورت‌ طبيعي‌ بر منحرفان‌ و مغرضان‌ و دين‌ فروشان‌ تهي‌ مايه‌ تنگ‌ مي‌كند و به‌ محو تدريجي‌ آنان‌ مي‌پردازد، معارف‌ راستين‌ مهدويت(ع) را گسترش‌ و سلامت‌ معنوي‌ جامعه‌ را پا برجا مي‌سازد.

غلا‌مرضا بهروزلك : عرصه‌هاي‌ مربوط‌ به‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ را مي‌توان‌ در دو مقوله‌ فرهنگ‌ عمومي‌ و فرهنگ‌ جامعه‌ علمي‌ دنبال‌ نمود. در زمينه‌ فرهنگ‌ عمومي‌ مي‌بايست‌ به‌ تلقي‌هاي‌ جامعه‌ و عموم‌ مردم‌ درباره‌ مهدويت‌ اشاره‌ كرد. خوشبختانه‌ در چند سال‌ گذشته‌ گرايش‌ عمومي‌ نسبت‌ به‌ مهدويت‌ افزايش‌ نسبي‌ خوبي‌ داشته‌ است. مهم‌ترين‌ نمود آن‌ را در فرهنگ‌ عمومي‌ زنده‌ و فعال‌ شدن‌ مراسم‌ دعاي‌ ندبه‌ در بسياري‌ از جاهاي‌ كشور دانست. هم‌ چنين‌ نمودهاي‌ ديگر آن‌ را مي‌توان‌ در برگزاري‌ همايش‌ها، سمينارها، برنامه‌هاي‌ تلويزيوني‌ و راديويي‌ و اقبال‌ عمومي‌ رسانه‌ها و مطبوعات‌ دانست. البته‌ تحولات‌ جهاني‌ نيز در گسترش‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ مؤ‌ثر بوده‌ است؛ شكل‌گيري‌ و پيدايش‌ پديده‌ جهاني‌ شدن‌ و به‌ همراه‌ آن‌ هزاره‌ گرايي‌ در جهان‌ و نيز بحران‌ها و ظلم‌ و ستمي‌ كه‌ در سراسر جهان‌ گسترش‌ يافته‌ است، همانند قتل‌ عام‌ مسلمانان‌ در بوسني، عراق‌ و فلسطين‌ توجه‌ بيش‌تر مسلمانان‌ را به‌ مسئله‌ مهدويت‌ و فرج‌ جلب‌ نموده‌ است.

با اين‌ وجود، در عرصه‌ فرهنگ‌ عمومي‌ مي‌توان‌ هنوز خلا‌هايي‌ را نيز شناسايي‌ كرد؛ يكي‌ از امور مهم‌ در اين‌ عرصه‌ نبودن‌ آشنايي‌ صحيح‌ عمومي‌ با وجود علاقهِ‌ وافر به‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ نسبت‌ به‌ اعتقادات‌ و ديدگاه‌هاي‌ صحيح‌ در اين‌ باره‌ مي‌باشد. بسياري‌ از مردم‌ هنوز ديدگاه‌ درست‌ و صحيحي‌ از فرهنگ‌ مهدويت‌ ندارند و حتي‌ مهم‌تر از آن‌ مي‌توان‌ به‌ عدم‌ پايبندي‌ عملي‌ به‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ در جامعه‌ امروز ما اشاره‌ كرد. گرچه‌ دوستداران‌ حضرت‌ مهدي‌ بسيار زيادند و تمامي‌ مردم‌ مسلمان‌ چشم‌ انتظار ظهور فرج‌ هستند، اما صرف‌ اعتقاد كافي‌ نيست. ما مي‌بايست‌ عملاً در زندگي‌ روزمره‌ هماهنگ‌ و سازگار با فرهنگ‌ مهدوي‌ زندگي‌ كنيم. اگر ظلم‌ و بي‌عدالتي‌ را نامناسب‌ مي‌دانيم‌ بايد در عمل‌ نيز از آن‌ دوري‌ كنيم. به‌ هر حال‌ نكته‌ كلي‌ در اين‌ زمينه‌ خلا‌ نهادينه‌ شدن‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ در زندگي‌ روزمره‌ ماست. ما گاه‌ چنان‌ رفتار مي‌كنيم‌ كه‌ گويي‌ منتظر امام‌ خود نيستيم.

اما در زمينه‌ علمي‌ نيز خلا‌ مشهودي‌ در زمينه‌ تبيين‌ روزآمد و علمي‌ ابعاد مسئله‌ مهدويت‌ داريم. به‌ عنوان‌ مثال‌ ما اخيراً مجله‌ علمي‌ تخصصي‌ درباره‌ مهدويت‌ و مباحث‌ مربوط‌ منتشر مي‌كنيم‌ كه‌ به‌ رغم‌ تلاش‌ محققان‌ و دست‌ اندركاران‌ اين‌ نشريات‌ هنوز از وضع‌ مطلوب‌ فاصله‌ زيادي‌ دارد. ما نخستين‌ دوره‌هاي‌ تخصصي‌ را در خود حوزه‌ علميه‌ آغاز كرده‌ايم. ما در دانشگاه‌هاي‌ خود هنوز حتي‌ درسي‌ به‌ نام‌ مهدويت‌ نداريم. حتي‌ ما در رشته‌ خودمان‌ در علوم‌ سياسي‌ اخيراً قدم‌هايي‌ را براي‌ سازماندهي‌ درسي‌ به نام‌ مباحث‌ سياسي‌ مهدويت‌ شروع‌ كرده‌ايم‌ كه‌ اقدامي‌ خود جوش‌ است‌ و هنوز در سرفصل‌هاي‌ اصلي‌ اين‌ رشته‌ قرار ندارد و درسي‌ اختياري‌ مي‌تواند تلقي‌ شود. لذا اين‌ خلا‌ علمي‌ بسيار مشهود است. البته‌ اين‌ بدان‌ معنا نيست‌ كه‌ گنجينه‌ عظيم‌ معارف‌ مهدوي‌ خود را ناديده‌ بگيريم، ولي‌ چنان‌ كه‌ شيخ‌ طوسي(ره) در آغاز كتاب‌ شريف‌ تلخيص‌ الشافي‌ اظهار مي‌دارد، ما مي‌بايست‌ همواره‌ مباحث‌ ديني‌ - اعتقادي‌ خود را به‌ زبان‌ روز و با آخرين‌ دستاوردها و مطالعات‌ ارائه‌ كنيم‌ و نيازهاي‌ علمي‌ زمانه‌ خود را مورد توجه‌ قرار دهيم‌ و اين‌ همان‌ نياز علمي‌ جامعه‌ ماست.

مجتبي مشيري: در زمينهِ‌ تعميق‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ و استخراج‌ ظرفيت‌هاي‌ مؤ‌ثر زندگي‌ منتظرانه‌ - كه‌ نتيجهِ‌ آن‌ تقويت‌ ايمان‌ متحرك‌ و مسئوليت‌ فردي‌ و اجتماعي‌ است‌ - موارد ذيل‌ پيشنهاد مي‌گردد:

‌الف) چاپ‌ كتاب‌هاي‌ سودمند و به‌ روز در موضوع‌ مهدويت‌شناسي‌ تطبيقي؛

‌ب) ترجمه‌ كتاب‌ها و مقالاتي‌ كه‌ پيروان‌ مكاتب‌ الهي‌ عرفاني‌ و اشراقي‌ در سرتاسر جهان‌ در موضوع‌ مهدويت‌ نگاشته‌اند؛

‌پ) معرفي‌ راه‌ يافتگان‌ به‌ ساحت‌ حضرت‌ مهدي(عج)؛

‌ت) چاپ‌ تجربه‌هاي‌ امدادهاي‌ مهدوي(عج)؛

‌ث) چاپ‌ مجموعه‌ سخنان‌ حضرت‌ مهدوي(عج)؛

‌ج) تشكيل‌ ميزگردهاي‌ راديويي‌ و تلويزيوني‌ تحت‌ عنوان‌ مسئوليت‌هاي‌ انسان‌ امروز در عصر غيبت؛

‌چ) تأ‌سيس‌ پايگاه‌هاي‌ اينترنتي‌ و معرفي‌ سايت‌هاي‌ مهدوي‌شناسي‌ در سرتاسر جهان.

: براي كاربردي كردن اين فرهنگ در جامعه چه راه‌كارهايي را پيشنهاد مي‌كنيد ؟

علي‌اكبر مهدي‌پور: راه‌هاي‌ بسيار فراواني‌ هست‌ كه‌ به‌ اختصار به‌ برخي‌ از آن‌ها اشاره‌ مي‌شود:

1. تعميم‌ فرهنگ‌ مهدويت، از طريق:

1) تأ‌ليف‌ كتب‌ مفيد، محققانه‌ و به‌ قلم‌ روز؛

2) ترجمهِ‌ آثار مرجع‌ و پايه‌ به‌ قلم‌ روز؛

3) نشر متون‌ حديثي، به‌ صورت‌ تحقيقي؛

4) نشر آثار خوب‌ به‌ زبان‌هاي‌ زندهِ‌ جهان؛

5) تهيه‌ مقالات‌ علمي‌ و نشر آن‌ها از رسانه‌هاي‌ گروهي؛

6) به‌ كار انداختن‌ ماهواره؛

7) اختصاص‌ سايت‌هايي‌ به‌ فرهنگ‌ مهدويت؛

8) پاسخ‌گويي‌ به‌ شبهات‌ از طريق‌ اينترنت؛

9) تأ‌سيس‌ كتابخانه‌هاي‌ تخصصي؛

10) تأ‌سيس‌ مراكز تحقيقي‌ - تخصصي؛

11) تهيه‌ فيلم، تابلو، نقاشي، جدول‌ و ديگر آثار هنري؛

12) مسابقهِ‌ مقاله، فيلم، و ديگر آثار فرهنگي‌ و هنري؛

13) تهيه‌ كتاب‌ قصه‌ و رمان، با قلم‌ روز، براي‌ سطوح‌ مختلف، به‌ ويژه‌ كودكان‌ و نوجوانان؛

14) تهيه‌ سي‌ ديِ سخنراني‌ها، نمايشنامه‌ها و معرفي‌ آثار مكتوب‌ در عرصهِ‌ مهدويت؛

15) تشويق‌ اهل‌ قلم، به‌ ويژه‌ از رهگذر چاپ‌ آثار مكتوب‌ آنان؛

16) تأ‌سيس‌ مراكزي‌ براي‌ نشر مجلات‌ تخصصي؛

17) چاپ‌ برچسب، تقويم، تابلو و...؛

18) تشويق‌ به‌ تأ‌سيس‌ كتابفروشي‌ مخصوص‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ در مراكز استان‌ها؛

19) به‌ راه‌ انداختن‌ نمايشگاه‌ كتاب‌ در مراكز استان‌ها؛

20) تشويق‌ جوانان‌ به‌ تأ‌سيس‌ ستادهاي‌ برگزاري‌ جشن‌هاي‌ نيمهِ‌ شعبان‌ در دههِ‌ مباركهِ‌ مهدويت.

2. ايجاد مهر يار در دل‌ راهيان‌ راه، از طريق:

1) تبيين‌ نقش‌ امام‌ زمان‌ در جهان‌ هستي؛

2) تشريح‌ عنايات‌ حضرت‌ به‌ دوستان؛

3) معرفي‌ اماكن‌ زيارتي‌ منتسب‌ به‌ آن‌ حضرت‌ در ايران‌ و جهان؛

4) سفرهاي‌ زيارتي‌ به‌ اماكن‌ ياد شده، همانند مسجد مقدس‌ جمكران‌ قم‌ و مسجد سهله‌ كوفه؛

5) شور دادن‌ به‌ مجالس‌ دعاي‌ ندبه‌ و زيارت‌ آل‌ ياسين؛

6) تبيين‌ راه‌ رسيدن‌ به‌ آستانِ دوست؛

7) تشريح‌ موانع‌ راه‌ و بيان‌ راه‌ زدودن‌ موانع‌ از سر راه؛

8) نشر كتاب‌هاي‌ شامل‌ بر وظايف‌ منتظران‌ در عصر غيبت؛

9) شرح‌ داستان‌ كساني‌ كه‌ پس‌ از تلاش‌ و كوشش‌ سرانجام‌ به‌ محضر دوست‌ راه‌ يافته‌اند؛

10) تهيه‌ فيلم، نمايش‌ و قصهِ‌ كساني‌ كه‌ به‌ محضر آن‌ يار مهربان‌ بار يافته‌اند.

دكتر محمد تقي آيت اللهي: الف‌) تربيت‌ مدرس‌ مهدويت(عج) متناسب‌ با سن‌ و جنس‌ مخاطبان‌ به‌ ويژه‌ نوباوگان، نوجوانان‌ و جوانان‌ و آموزش‌ مستمر روشمند با استفاده‌ از جديدترين‌ تكنيك‌هاي‌ آموزشي‌ به‌ آنان‌ از سطح‌ كودكستان‌ تا دانشگاه‌ و با رعايت‌ موارد پيشگفت‌ بالا.

ب‌) استفاده‌ از هنر در مداحي‌ و... و تربيت‌ نسلي‌ كه‌ با استفاده‌ بجا و ابتكاري‌ از آن‌ بتوانند به‌ گسترش‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ بپردازند. به‌ ويژه‌ آن‌كه‌ با تكيه‌ بر مكتب‌ اهل‌ بيت(ع) از شادي‌هاي‌ مشروع‌ روانشناسانه‌ بهره‌ گيرند و در ايجاد شور و عشق‌ آگاهانه‌ به‌ گسترش‌ معارف‌ مقدس‌ مهدوي(عج) در بين‌ نسل‌ نو بپردازند و جاذبه‌ها را هدفمند و سازمان‌ يافته‌تر نمايند.

ج‌) بهره‌ برداري‌ بهينه‌ از مجالس‌ و محافل‌ عمومي‌ مهدويت(عج).

نگارنده‌ با بررسي‌ عيني‌ در مذاهب‌ مختلف‌ شاهد بوده‌ است‌ كه‌ در هيچ‌ مذهبي‌ به‌ اندازه‌ مكتب‌ تشيع‌ در مجالس‌ مذهبي‌ شوق‌ و علاقه‌ و حوصله‌ وجود ندارد. در هيچ‌ مذهبي‌ نمي‌توان‌ مجالسي‌ همانند دعاي‌ ندبه‌ آن‌ هم‌ در روز تعطيل‌ و در اولين‌ ساعات‌ بامدادي‌ با مدتي‌ حداقل‌ دو ساعت‌ ديد. اين‌ گونه‌ مجالس‌ منظم‌ سرمايه‌ بزرگي‌ است‌ كه‌ به‌ بركت‌ وجود مقدس‌ حضرت‌ مهدي(عج) حاصل‌ شده‌ و بهره‌ برداري‌ بهينه‌ از دقايق‌ و حتي‌ ثانيه‌هاي‌ آن‌ ضروري‌ است. اگر محتوايي‌ كه‌ ما در مكتب‌ اهل‌بيت(ع) داريم‌ را حتي‌ به‌ ميزان‌ بسيار اندكي‌ ساير مذاهب‌ داشتند، قادر بودند تا فرهنگ‌ خود را گسترش‌ دهند و جوانان‌ را جذب‌ كنند. گفتني‌ است، در بررسي‌هاي‌ خود روزي‌ به‌ كليساي‌ بتشان‌(Bethshan) در انگلستان‌ رفتم‌ و تفاوت‌ چشم‌گيري‌ را در ميزان‌ استقبال‌ و شور مذهبي‌ در اين‌ كليسا - كه‌ اكثريت‌ شركت‌ كنندگان‌ آن‌ جوان‌ و دانشجو بودند - ديدم‌ و هماهنگي‌ و نظم‌ خاصي‌ را ملاحظه‌ كردم‌ و به‌ دقت‌ در محتواي‌ دعاها و نمازهاي‌ آن‌ها تأ‌مل‌ كردم‌ و شور و هيجان‌ مذهبي‌ خاصي‌ را مشاهده‌ نمودم. در علت‌ جاذبه‌ اين‌ كليسا تفحص‌ و جست‌وجو كردم‌ و با برخي‌ از مريدان‌ و ارباب‌ كليسا جداگانه‌ به‌ گفت‌وگو پرداختم‌ كه‌ در پايان‌ به‌ اين‌ نتيجه‌ رسيدم‌ كه‌ اولاً نظم‌ موجود و مبادي‌ آدابي‌ خدمتگزاران‌ كليسا و ثانياً مديريت‌ قوي‌ كليسا و ثالثاً محتواي‌ علمي‌ محفل‌ و بالا‌خره‌ استفاده‌ مبتكرانه‌ از هنر مذهبي‌ و ايجاد ارتباط‌ فعال‌ با مستمعان‌ از عوامل‌ مؤ‌ثر و تعيين‌ كننده‌ در جاذبه‌ قوي‌ اين‌ كليسا بوده‌اند. جالب‌ آن‌كه‌ وقتي‌ در محتواي‌ مجلس‌ و نمازهاي‌ آنان‌ دقت‌ كردم، با كمال‌ شگفتي‌ ديدم‌ كه‌ برخي‌ از فقرات‌ دعاي‌ ندبه‌ را شبيه‌ سازي‌ كرده‌ و به‌ مجلس‌ خود رونق‌ و گرمي‌ بخشيده‌اند. اينك‌ محتواي‌ نمازي‌ را كه‌ در مورد موعودي‌ كه‌ نجات‌ بخش‌ است‌ و خواهد آمد و همگي‌ با هم‌ در آن‌ مجلس‌ همخواني‌ كرده‌ و هيجان‌ مذهبي‌ خود را بدان‌ ابراز مي‌نمودند، ارائه‌ مي‌دهم‌ تا خواننده‌ گرامي‌ ببيند كه‌ چگونه‌ آنان‌ از ندبه‌ ما براي‌ خود بهره‌ برداري‌ بهينه‌ مي‌كنند.

گردانندگان‌ مجالس‌ مذهبي‌ شيعه‌ چه‌ مسئوليت‌ مقدس‌ و سنگيني‌ بر عهده‌ دارند تا به‌ تقويت‌ سازماني‌ بنيادهاي‌ اصيل‌ ديني‌ مردم‌ بپردازند و كلام‌ مولاي‌ متقيان(ع) را به‌ گوش‌ جان‌ بنوشند كه‌ <الحكمه` ضاله` المؤ‌من‌ فخذالحكمه` و لو من‌ اهل‌ النفاق؛‌ حكمت‌ گم شده‌ مؤ‌من‌ است‌ حكمت‌ را بگير حتي‌ اگر از منافق‌ باشد.>

آري‌ به‌ قول‌ حافظ‌ شيرازي:

سال‌ها دل‌ طلب‌ جام‌ جم‌ از ما مي‌كرد آن‌چه‌ خود داشت‌ زبيگانه‌ تمنا مي‌كرد

گوهري‌ كز صدف‌ كون‌ و مكان‌ بيرون‌ است‌ ‌خبر از گم‌شدگانِ لب‌ دريا مي‌كرد

گفتمش‌ اين‌ دل‌ خرم‌ به‌تو كي‌ داد حكيم‌ ‌گفت‌ آن‌روز كه‌ اين‌ گنبد مينا مي‌كرد

و اينك‌ متن‌ دعا و نمازي‌ كه‌ در آن‌ روز خوانده‌ شد:

او شاه‌ شاهان‌ است‌ King of King

بر تمام‌ سروران‌ او سرور است‌ Lord of Lords

شير خداست‌ Lion of Yodah

كلام‌ خداست‌ Word of God

او اين‌ جا مي‌آيد‌ and Here he comes

و با عدالت‌ in rightiousnous

بر جهان‌ حكومت‌ خواهد كرد. rule the earth Heَll

غلا‌مرضا بهروزلك :براي‌ كاربردي‌ كردن‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ در عرصه‌هاي‌ مختلف‌ فرهنگ‌ عمومي‌ و جامعه‌ علمي‌ توجه‌ به‌ نكاتي‌ لازم‌ و ضروري‌ است. نخستين‌ قدم‌ در فرهنگ‌ عمومي، تلاش‌ براي‌ نهادينه‌ كردن‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ است. نخستين‌ كار نيز در اين‌ زمينه‌ ترويج‌ صحيح‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ در ميان‌ نسل‌ جوان‌ است. ما لازم‌ است‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ را در مدارس‌ و دبيرستان‌ها و دانشگاه‌هاي‌ خود مطرح‌ و ترويج‌ نماييم. براي‌ اين‌ كار يك‌ فعاليت‌ بسيجي‌ وار و فراگير لازم‌ است.

البته‌ ما گاه‌ با افت‌ ديگري‌ نيز در زمينه‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ مواجه‌ هستيم. به‌ رغم‌ شكل‌گيري‌ نهادها و مؤ‌سسات‌ مختلفي‌ كه‌ در زمينه‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ كار مي‌كنند، متأ‌سفانه‌ هنوز هماهنگي‌ مناسبي‌ بين‌ آن‌ها وجود ندارد. امكانات‌ محدود ما با مديريت‌ هماهنگ‌ مورد استفاده‌ قرار نمي‌گيرند. كارهاي‌ تكراري‌ و موازي‌ را مي‌بايست‌ به‌ حداقل‌ رسانيد و از امكانات‌ حداكثر بهره‌ را بايد برد؛ لذا من‌ پيشنهاد مي‌كنم‌ در كشور ستادي‌ از نهادها و سازمان‌هاي‌ مختلف‌ درگير در مباحث‌ و فرهنگ‌ مهدوي‌ تشكيل‌ شود كه‌ دبيرخانه‌ دائمي‌ داشته‌ باشند، سياست‌ گذاري‌هاي‌ كلان‌ توسعه‌ فرهنگ‌ مهدوي‌ در آن‌جا طراحي‌ شود و نظارت‌ كلي‌ بر چگونگي‌ اجرا و پيگيري‌ فعاليت‌هاي‌ مربوط‌ به‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ داشته‌ باشد.

در عرصه‌ علمي‌ نيز، گسترش‌ كمي‌ - كيفي‌ مراكز علمي‌ مهدويت‌ پژوهي‌ لازم‌ است. خود رشته‌ تخصصي‌ مهدويت‌ لازم‌ است‌ نهادينه‌ شود و به‌ يكي‌ از رشته‌هاي‌ مهم‌ تخصصي‌ در حوزه‌ علميه‌ تبديل‌ شود. سعي‌ شود در دانشگاه‌ها و مراكز علمي‌ ديگر نيز دروس‌ و رشته‌هاي‌ علمي‌ مربوط‌ به‌ مهدويت‌ فعال‌ شود. مهم‌تر و آسان‌تر آن‌ است‌ كه‌ ما رساله‌هاي‌ علمي‌ حوزه‌ و دانشگاه‌ را نيز به‌ سمت‌ مباحث‌ مهدويت‌ جهت‌ دهيم.

اميد است‌ با تلاش‌ دوستانمان‌ در نشريه‌ موفق‌ انتظار تا حدودي‌ زمينه‌ تبادل‌ نظر در آسيب‌شناسي‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ فراهم‌ شود و ما شاهد گسترش‌ هر چه‌ بيش تر فرهنگ‌ مهدوي‌ در جامعه‌ خود و در سراسر جهان‌ باشيم.

مجتبي مشيري : طرح‌ موضوع‌ مهدويت‌ به‌ عنوان‌ يك‌ موضوع‌ جهاني، دغدغهِ‌ بشريت، يادآوري‌هاي‌ مسئوليت‌هاي‌ سنگين‌ و حساس‌ انسان‌ مسلمان‌ در دورهِ‌ غيبت، تعيين‌ اهميت‌ سرنوشت‌ساز زندگي‌ در سايهِ‌ عنايت‌ امام‌ زنده، توجه‌ به‌ تقسيم‌بندي‌ تاريخ‌ بشر به‌ چهار دورهِ‌ (از آدم‌ تا خاتم)، نبوت‌ (از حضرت‌ علي‌ تا پايان‌ دورهِ‌ غيبت‌ صغرا)، وصايت‌ (از آغاز غيبت‌ كبري‌ تا عصر ظهور)، غيبت‌ و در نهايت‌ دوران‌ ظهور؛ دوراني‌ كه‌ در آن، امام‌ غايب‌ پس‌ از يك‌ انقلاب‌ جهاني، عدالت‌ را در جامعه‌ مستقر مي‌سازد و رهبري‌ مردم‌ را به‌ عهده‌ مي‌گيرد. يادآوري‌ تكاليف‌ و وظايف‌ مشتاقان‌ ظهور و ارائه‌ چگونگي‌ زندگي‌ سالم‌ و گسترش‌ مهرباني‌ و بخشندگي، توجه‌ به‌ ضعفا كه‌ مقدمه‌ ساز ظهور آن‌ حضرت‌ و در نتيجه‌ به‌ كاربردي‌ شدن‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ كمك‌ خواهد كرد.

مزيد توفيقاتتان‌ را از خداوند متعال‌ مسئلت‌ و اطمينان‌ دارم‌ كه‌ در پرتو توجهات‌ خاصهِ‌ حضرت‌ بقيه`‌اللّه(عج) بيش‌ از پيش‌ مؤ‌يد و موفق‌ خواهيد بود.

1.حجت الا‌سلا‌م والمسلمين علي اكبر مهدي پور در سال 1324 ه.ش در تبريز ديده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خود آموخت و به سال 1340 وارد حوزهِ علميه قم شد. بيش از 10 سال در خارج فقه واصول شركت نمود و در اين مدت با قلم و دنياي اهل قلم آشنا شد. وي تا كنون بيش از 60 اثر چاپ و منتشر نموده كه بيش از يك سوم آن در حوزهِ مهدويت مي باشد.

از آن جمله است: او خواهد آمد، با دعاي ندبه درپگاه جمعه، جزيرهِ خضرا، راز طول عمر امام زمان(عج)، روزگار رهايي، ميلا‌د نور، نقش امام زمان(عج) در جهان هستي، نور يزدان و يوسف زهرا(س)، كه برخي از آن ها به چندين زبان زندهِ جهان برگردانده شده است.

او از سال 1354 تا 1359 متصدي امور شيعيان در استانبول بود كه در اين مدت بيش از 60 اثر به زبان تركي استانبولي منتشر كرد.

2.دكتر سيد محمد تقي آيت الهي، متولد 1331 شيراز، تحصيلا‌ت خود را تا دوره كارشناسي ارشد در زادگاه خود و دوره هاي دكتراي آمار زيستي و فوق دكتراي اپيدميولوژي را در دانشگاه هاي كلمبياي آمريكا، لندن و نيوكاسل انگلستان گذرانده.

وي اكنون استاد دانشگاه علوم پزشكي شيراز است. از او حدود يك صد و پنجاه مقالهِ علمي و شانزده كتاب به صورت تأليف، تحقيق و ترجمه منتشر شده است. وي به تاريخ تشيع به ويژه موضوع مهدويت علا‌قه زيادي دارد و پيش از اين نيز آثاري از او در همين مجله چاپ شده است.

3.حجت الا‌سلا‌م دكتر غلا‌م‌رضا بهروز لك متولد 1347 در شهر اروميه، شروع‌ تحصيلات‌ حوزوي‌ 1363 در حوزه‌ علميه‌ تبريز. 1366 تا كنون‌ در حوزه‌ علميه‌ قم، تحصيلات‌ درس‌ خارج‌ حوزه‌ و اتمام‌ تخصصي‌ كلام‌ سطح‌ 4. دكتري‌ علوم‌ سياسي‌ از دانشگاه‌ تربيت‌ مدرس‌ (در حال‌ دفاع‌ از رساله‌ دكتري‌ با عنوان: اسلام‌ سياسي، جهاني‌ شدن‌ و هويت‌ سياسي). عضو هيأ‌ت‌ علمي‌ دانشگاه‌ باقرالعلوم‌(ع) قم. عضو هيأ‌ت‌ علمي‌ پژوهشگاه‌ فرهنگ‌ و انديشه‌ اسلامي.

آثار: ترجمه‌ كتاب‌ زبان‌ سياسي‌ اسلام‌ اثر برنارد لوييس؛ ترجمه‌ كتاب‌ دين‌ در عرصه‌ عمومي‌ از آئودي‌ و والترستروف؛ تأ‌ليف‌ مقالات‌ متعدد از جمله: مهدويت‌ و جهاني‌ شدن، سيماي‌ حكومت‌ جهاني‌ حضرت‌ مهدي(عج)؛ مهدويت‌ و زندگي‌ سياسي‌ معاصر؛ كلام‌ سياسي‌ شيعه؛ چيستي‌ كلام‌ سياسي؛ و...

4.مجتبي مشيري متولد 1336 تهران؛فعاليت هاي فرهنگي و هنري به ويژ ه در صدا و سيما بعد از انقلاب فرهنگي؛ مدير و موسس شبكه چهار سيما و مدير شبكه يك و دو؛ مديريت موسسه‌هاي تلويزيوني - سينمايي بنياد جانبازان؛ همكاري با بخش هاي مختلف معاونت سينمايي وزارت ارشاد؛ وي هم اكنون رييس مركز فرهنگي و هنري صبا مي‌باشد.

پي نوشت ها :

1.اعراف: 71 و يونس: 20 و 102.